

مفروضات - در بیان آنکه در وجود شرّ

نیست

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



در بیان آنکه در وجود شرّ نیست - مفروضات - اثر

حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه طبع سنه ۱۹۰۸ م

بیان حقیقت این مسأله بسیار مشکل است . بدانکه کائنات بر دو قسم است جسمانی و روحانی ، محسوس و معقول یعنی یک قسم از کائنات محسوس هستند و قسم دیگر محسوس نیستند بلکه معقول هستند . محسوس آنست که بجواسّی نحسه ظاهره ادراک شود مثل این کائنات خارجه که چشم می بیند این را محسوس گفته میشود و معقول آنست که وجود خارج ندارد عقل آنرا ادراک میکند مثلاً خود عقل معقول است وجود خارجی ندارد و جمیع اخلاق و صفات انسانی وجود عقلی دارند نه حسی یعنی صفات حقیقی است معقول نه محسوس . باری حقائق معقوله مثل صفات و کمالات ممدوحه انسان جمیع خیر محض است و وجود است و شرّ عدم آنهاست مثل جهل عدم علمت ضلالت عدم هدایت است نسیان عدم ذکر است بلاهت عدم درایت است اینها اعدام است نه اینست که وجود دارند . و اما حقائق محسوسه آن نیز خیر محض است و شرّ اعدام است یعنی کوری عدم بصر است کوری عدم سمع است فقر عدم غناست مرض عدم صحّت است موت عدم حیانتست ضعف عدم قوّت است . و لکن شبهه ای بخاطر میآید و آن اینکه عقرب و مار را سمّ است این خیر است یا شرّ است و این امر وجودیست . بلی عقرب شرّ است اما بالنسبه بما مار شرّ است اما بالنسبه بخودش شرّ نیست بلکه آن سمّ سلاح اوست که بآن نیش محافظه خویش مینماید . اما چون عنصر آن



ORIGINAL



AUDIO

سمّ با عنصر ما مطابق نمی آید یعنی در ما بین عناصر ما و عنصر او ضدّیت است لهذا شرّ است و بالنّسبه بهم شرّند ولی فی الحقیقه خیرند . خلاصه کلام آنکه ممکن یک شیئی بالنّسبه بشیء دیگر شرّ است اما در حدّ ذاتش شرّ نیست . پس ثابت شد که در وجود شرّ نیست آنچه خدا خلق کرده خیر خلق کرده این شرّ راجع باعدام است . مثلاً این موت عدم حیانتست امداد حیات که بانسان نرسد موتست ظلمت عدم نوراست وقتی که نور نیست ظلمت است نور امر وجودیست لکن ظلمت امر وجودی نیست بلکه عدمیست غنا امر وجودی است اما فقر امر عدمیست پس معلوم شد که جمیع شرور راجع باعدام است خیر امر وجودی است شرّ امر عدمی .